





وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده حکمت معاصر
گروه فلسفه دین

رساله دکتری رشته فلسفه دین
**حیث استقلالی رابطات در انتساب فعل اختیاری به ممکنات
با ابتناء بر آراء ملاصدرا**

استاد راهنما:

دکتر اعظم قاسمی

استاد مشاور:

دکتر غلامرضا ذکیانی

پژوهشگر:

محمد یزدانی

شهریور ماه ۱۳۹۸

تقدیر

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي تَجَبَّبَ اِلَيّْی وَهُوَ غَعِيٌّ عَنِّي، خداوندی که افتخار کمالات را به استتلال وجودی خویش غنا بخشید (الْفَقِيرُ الَّذِي اَعْنَيْتَهُ)

پس فقیر آنست کوبی واسطه ست شعله ها را با وجودش رابطه ست

و اما به رسم ادب و به روال متبول معمول، بر خود فرض می دانم که در این رساله مراتب تقدیر خود را تقدیم استیدگرا تقدیر

جناب آقای دکتر غلامرضا ذکیانی و همچنین خانم دکتر قاسمی بواسطه راهنمایی های ارزشمندشان نمایم.

همچنین از زحمات بی دریغ همسر و دختر عزیزم که با صبوری تمام مراد نگارش این رساله یاری رساندند، سپاسگزارم.

تقدیم

ہنوز ہم تلور عشق راد نگاہ پر مہر شامی یا ہم
تقدیم بہ نگاہ پر مہر تان ...

چکیده

یکی از دقایق عمیق نظری در منظومه فکری صدرالمتهین بحث از وجود رابط است که در دو حوزه مباحث منطقی و مباحث فلسفی ظهور می‌یابد و البته در هر دو حوزه به معنایی واحد یعنی «وجود فی غیره» بکار می‌رود، لیکن فراخور کارکردش در هر حوزه احکام مختلفی بر آن بار می‌شود.

در مباحث منطقی و در مقام تحلیل قضایا بالاجمال می‌توان گفت، وجود رابط در ظرف مطابق برخی قضایا - مقصود قضایایی است که مفاد آنها ثبوت شیء لشیء است - سبب اتحاد و ارتباط وجودی میان موضوع و محمول می‌شود. وجود رابط در این کارکرد در قبال وجود محمولی است که قابلیت محمول واقع شدن را داراست و مفاد قضایای حاوی آنها ثبوت الشیء است.

اما در مباحث فلسفی و در تحلیل رابطه علت و معلول، صدرا قائل می‌شود که برای معالیل و ممکنات به امکان فقری هیچ جهت دیگری غیر از ربط محض به جاعل تام خود متصور نیست، فلذا وجود ایشان عین الربط به وجود حق تعالی است. باید گفت وجود رابط در این کارکرد در قبال وجود مستقل حقیقی واجب تعالی است.

حال، با توجه به تحلیلی که صدرا از وجود ممکنات بدست می‌دهد که عین فقر، احتیاج و ربط محض به وجود واجب تعالی است، اختیار رابطات توجیه سرراستی نمی‌یابد، چراکه صدور فعل اختیاری از فاعل مختار از یک سو منوط به وجودبخشی و تأثیر فاعل در دیگر اشیاء است و می‌دانیم که تأثیر نیز از شئون وجود است و از سوی دیگر، وقوع فعل اختیاری مستلزم مبادی و مقدماتی از قبیل علم و اراده و قدرت است که جملگی این مبادی نیز در نزد صدرا تفسیری وجودی می‌یابند. لذا، پیمودن هر مسیری در تحقق اختیار ما را به وجود می‌رساند، در صورتیکه وجود رابطات، وجودی فی‌غیره، لغیره و بغیره و تماماً منسوب به غیر است و هیچ‌گونه استقلالی که ملاک علیت و ایجاد است برای ایشان متصور نیست؛ پس اختیار رابطات نیز با این فرض، تماماً منسوب به غیر خواهد بود.

با همه این اوصاف، صدرا همچنان از اعتقاد به انتساب حقیقی وجود و فعل و اختیار به ممکنات دست نمی‌کشد، و با توجه به عدم توفیق دیدگاه مجازی یا منطقی در انتساب حقیقی فعل اختیاری به ممکنات، قهراً به سوی فرض حیث استقلالی برای رابطات سوق می‌یابیم. بنابراین، جهت تلاش ما در پژوهش حاضر به این سمت است که نشان دهیم که فرضیه‌ای با این مضمون که ما به الارتباط رابط و مستقل عین ما به الاستقلال آنهاست، مبتنی بر اصول فلسفه اصالت الوجود صدرا، امکان طرح دارد. فلذا آنچه وجودات بدان استقلال می‌یابند با آنچه ضامن ارتباطشان است یکسان است و آن امر واحد، حقیقت مشکک وجود است.

کلید واژه‌ها:

وجود رابط، وجود مستقل، عین الربط، اختیار، امکان فقری، ملاصدرا

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
۱. طرح مسئله.....	۱
۲. اهمیت و ضرورت پژوهش.....	۳
۳. اهداف پژوهش.....	۳
۴. سؤالهای پژوهش.....	۳
۴-۱. سؤال اصلی.....	۳
۴-۲. سؤالات فرعی.....	۳
۵. فرضیه‌های پژوهش.....	۳
۵-۱. فرضیه اصلی.....	۴
۵-۲. فرضیه‌های فرعی.....	۴
۶. پیشینه پژوهش.....	۵
۷. جنبه نوآوری پژوهش.....	۶
۸. روش انجام پژوهش.....	۶
فصل اول: کلیات.....	۸
۱. مفهوم شناسی.....	۸
۱-۱. وجود.....	۸
۱-۲. وجود رابط.....	۱۰
۱-۳. وجود محمولی.....	۱۳
۱-۴. وجود مستقل.....	۱۴
۱-۵. حیث استقلالی.....	۱۵
۱-۶. اختیار.....	۱۶
۱-۷. فعل اختیاری.....	۱۷
۲. تاریخچه اجمالی.....	۱۹
۲-۱. تاریخچه اختیار و فعل اختیاری.....	۱۹
۲-۲. تاریخچه وجود رابط و مستقل.....	۲۰
فصل دوم: اختیار، عناصر و لوازم.....	۲۳

۲۳ ۱. تعریف و تحلیل اختیار
۲۴ ۱-۱. علم
۲۵ ۱-۱-۱. حقیقت علم
۲۶ ۱-۱-۱-۱. تعریف حکما
۲۷ ۲-۱-۱-۱. تعریف صدرا
۲۹ ۳-۱-۱-۱. طرح اشکال و پاسخ آن
۳۲ ۴-۱-۱-۱. دیگر اشکالات
۳۲ ۵-۱-۱-۱. خلاصه مدعای صدرا در باب علم
۳۴ ۲-۱-۱. علم و وجود ذهنی
۳۶ ۱-۲-۱-۱. تحلیل ادراک به اموری چند
۳۹ ۲-۲-۱-۱. وجود ذهنی سایه علم یا سایه وجود خارجی
۴۲ ۳-۲-۱-۱. معلوم بالذات در علم حصولی
۴۵ ۴-۲-۱-۱. تفسیر یا فراتفسیر
۴۷ ۵-۲-۱-۱. جمع بندی بحث
۵۰ ۳-۱-۱. انگاره مطلوب در علم صدرایی
۵۰ ۲-۱. شوق و اراده
۵۱ ۱-۲-۱. شوق
۵۲ ۲-۲-۱. اراده
۵۵ ۱-۲-۲-۱. تأملی در مدعا
۵۶ ۳-۱. قدرت
۶۲ ۴-۱. نگاه ناظر
۶۲ ۵-۱. استقلال فاعل
۶۳ ۱-۵-۱. مبادی وجودی
۶۴ ۲-۵-۱. استقلال در بکارگیری مبادی وجودی
۶۶ ۲. فاعلیت
۶۸ ۱-۲. اقسام فاعل
۶۸ ۱-۱-۲. تقسیم شش گانه
۶۹ ۲-۱-۲. تقسیم هفت گانه
۷۰ ۳-۱-۲. تقسیم هشت گانه

۷۳	۲-۲. فاعلیت انسان.....
۷۶	۲-۲-۱. امر بین الامرین.....
۷۷	۳. جمع بندی فصل دوم.....
۸۰	فصل سوم: وجود رابط و مستقل.....
۸۰	۱. تقسیمات وجود.....
۸۰	۱-۱. تقسیم سه مرتبه‌ای وجود.....
۸۱	۱-۱-۱. اشکال اول.....
۸۴	۲-۱-۱. اشکال دوم.....
۸۵	۲-۱. تقسیم یک مرتبه‌ای وجود.....
۸۶	۳-۱. اختلاف در معنای وجود رابط و نسبت آن با وجود محمولی.....
۸۷	۱-۳-۱. دسته اول.....
۸۹	۲-۳-۱. دسته دوم.....
۸۹	۳-۳-۱. دسته سوم.....
۹۰	۴-۳-۱. دسته چهارم.....
۹۳	۵-۳-۱. حاصل گفتار و رأی مختار.....
۹۶	۲. تبیین وجود رابط در قضایا.....
۹۶	۱-۲. ارسطو.....
۹۷	۲-۲. فارابی.....
۹۸	۳-۲. ابن سینا.....
۹۸	۴-۲. صدرالمتهلین.....
۱۰۲	۳. تبیین وجود رابط بر اساس علیت.....
۱۰۵	۱-۳. متعلق جعل.....
۱۰۸	۲-۳. امکان فقری یا وجودی.....
۱۱۱	۳-۳. وجود رابط در مقابل وجود مستقل.....
۱۱۲	۴-۳. تشان به جای علیت.....
۱۱۴	۴. جمع بندی فصل سوم.....
۱۱۶	فصل چهارم: اختیار رابطات.....
۱۱۶	۱. مقدمه.....

۱۱۷.....	۲. نسبت حقیقی فعل به انسان و خدا.....
۱۱۹.....	۳. قاعده « لا مؤثر فی الوجود الا الله».....
۱۲۵.....	۴. انتساب فعل اختیاری به رابطات.....
۱۲۵.....	۴-۱. انتساب مجازی.....
۱۲۸.....	۴-۲. انتساب منطری.....
۱۲۸.....	رویکرد اول.....
۱۳۰.....	رویکرد دوم.....
۱۳۱.....	رویکرد سوم.....
۱۳۴.....	۵. حیث استقلالی.....
۱۳۵.....	۵-۱. اراده.....
۱۳۶.....	۵-۲. حدود و تعینات ماهوی.....
۱۴۰.....	۵-۳. وجود.....
۱۴۱.....	۵-۳-۱. اشتراک معنوی وجود.....
۱۴۱.....	۵-۳-۲. اصالت وجود.....
۱۴۳.....	۵-۳-۳. تشکیک وجود.....
۱۴۵.....	۵-۳-۴. وحدت تشکیکی وجود.....
۱۴۷.....	۵-۳-۵. تقابل عدم و ملکه در مراتب وجود.....
۱۴۸.....	۵-۳-۶. بازگشت حیث استقلالی رابطات به حیث ارتباطی آنها.....
۱۵۰.....	جمع بندی و نتیجه گیری.....
۱۵۴.....	کتابنامه.....

فهرست نمودارها

- ۱-۰: طرح شماتیک مسائل مطروحه..... ۲
- ۱-۱: تقسیم سه مرتبه‌ای وجود..... ۱۲
- ۲-۱: تقسیم یک مرتبه‌ای وجود..... ۱۵
- ۱-۲: فرآیند صدور افعال اختیاری و ارتباطات میان آنها از نظر صدرا..... ۶۳
- ۲-۲: تحلیل استقلال فاعل..... ۶۴
- ۳-۲: اقسام فاعل..... ۷۳
- ۱-۳: تقسیم از حیث استقلال تصویری مفهوم وجود..... ۸۲
- ۲-۳: تقسیم از حیث استقلال موضوعی وجود..... ۸۲
- ۳-۳: تقسیم از حیث استقلال علی وجود..... ۸۲
- ۴-۳: تقسیم سه مرتبه‌ای وجود با کلیه شقوق محذوف..... ۸۵

پیشگفتار

۱. طرح مسئله

بحث «وجود رابط» یکی از دقیق‌ترین و پردامنه‌ترین مباحث فلسفه اسلامی است که علیرغم طرح آن توسط دیگر حکمای مسلمان پیشاصدرایی از جمله فارابی، ابن سینا، خواجه نصیر، سهروردی و میرداماد، بی‌شک شایسته‌ترین تحلیل و بهترین کارکرد خود را در نزد ملاصدرا می‌یابد. این کارکرد در دو حوزه قابل ردیابی است: ۱- منطق: در نقش رابط میان موضوع و محمول ۲- فلسفه: در نوع ارتباط عالم خلق با خالق

بدیهی است که هریک از این کارکردها در قاموس فکری صدرالمتالهین جایگاه ویژه‌ای دارد، چه در تحلیل قضایا به موضوع، محمول و رابط و چه در تقسیم وجود به وجود رابط و وجود مستقل (از این حیث که وجودات امکانی اعتبارات و شئون وجود واجبی‌اند که به حسب هویت هیچ استقلالی ندارند و در ذات خود عین فقر و تعلق‌اند) و فراخور هریک از این تحلیلها مسائلی پیش روی فلسفه صدرا قرار می‌گیرد.

از جمله این مسائل، مسئله اختیار است که به خودی خود در زمره مهم‌ترین مباحثی است که در حوزه دین‌شناسی به آن پرداخته می‌شود؛ آموزه‌ای که از سویی آبشخور کلان‌ترین مسائل اعتقادی از قبیل لزوم دین و ضرورت بعثت انبیاء، تکلیف و مسئولیت دینی، ثواب و عقاب و ... و از دیگر سو از عمده‌ترین لوازم آموزه‌هایی چون ایمان و باور دینی، اعمال و آداب دینی، معاد و ... (در تفکر اسلامی - شیعی) می‌باشد.

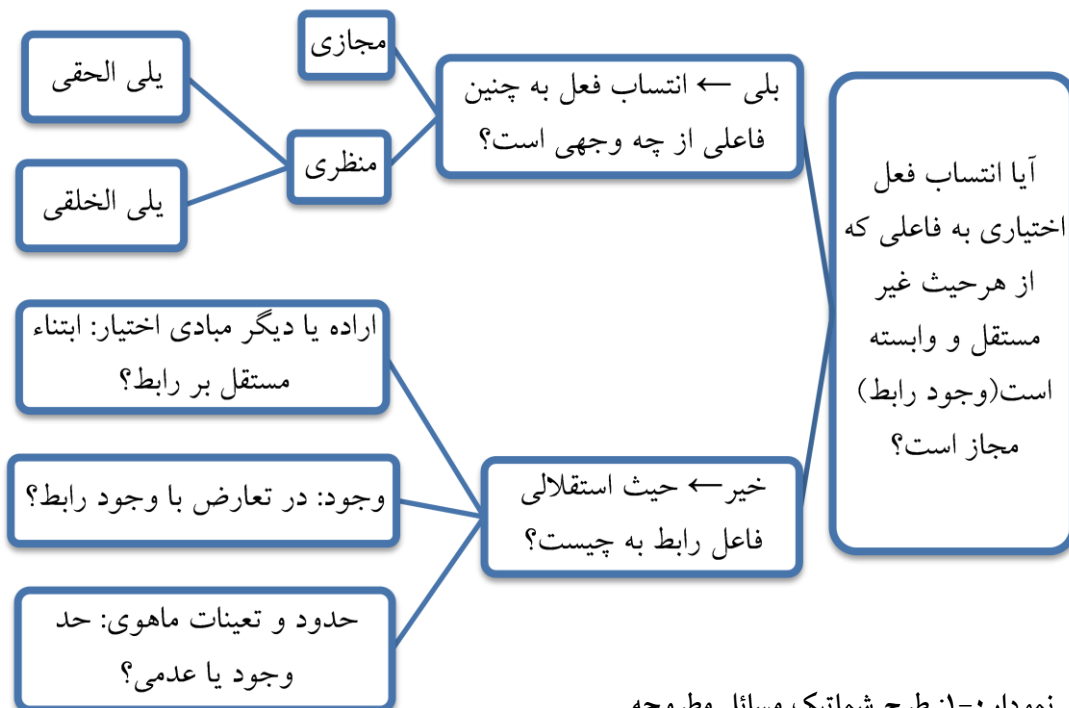
حال مسئله اساسی در این نقطه ظهور می‌کند که از یک سو «استقلال وجودی که ملاک علیت و ایجاد است تنها مختص خداوند است»^۱ (طباطبائی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۳) و او تنها موثر حقیقی است و از دیگر سو وجود انسانی از نوع وجود رابط است که از هیچ گونه استقلال و نفسیتی برخوردار نبوده و از آنجا که پیوسته در غیر تحقق می‌پذیرد (وجود فی غیره) نیاز صرف و ربط محض به واجب تعالی می‌باشد؛ پذیرش این دو فرض مجالی برای طرح نظریه تفویض و اسناد استقلال به انسان و دیگر ممکنات باقی نمی‌گذارد، اما نتیجه دیگر آن، تحت الشعاع قرار گرفتن اختیار ممکنات است، چراکه به این ترتیب، فعل و اثر فواعل ممکن الوجودی چون انسان که به تعبیر صدرالمتالهین فعل او به حقیقت - نه مجاز - به انسان و خداوند منسوب است، نیز از حیز انتفاع ساقط خواهد شد و فی الواقع،

۱ «لیس لغیره من الاستقلال، الذی هو ملاک العلیة و الإیجاد» (طباطبائی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۳)

تبیین منسجمی از چگونگی این انتساب حقیقی و نقش انسان در صدور افعال و بالمآل اختیار او در فلسفه صدر ارائه نشده است.

در توضیح این مدعا باید گفت که اگر مطابق حکمت صدر، استقلال انسان را در همه سطوح انکار کنیم و هیچ مرتبه‌ای از نفسیت را برای آن قائل نباشیم و حتی در مبادی و مقدمات فعل اختیاری نیز علت موجد نفس را لحاظ نکنیم، چگونه می‌توانیم فعل انسان را حقیقتاً فعلی منسوب به او بدانیم؛ پس به نظر می‌رسد که به رسمیت شناختن استقلال انسان و تأثیر حقیقی او، حداقل در یکی از مراحل و مقدمات فعل اختیاری، الزامی است؛ وگرنه انسان تنها مجرای تحقق فعل الهی خواهد بود و عملاً هیچ گونه تأثیر ایجابی یا سلبی در تحقق افعال نخواهد داشت و فعل حقیقی از آن خداوند خواهد بود. بدیهی است که این عقیده به جبرگرایی خواهد انجامید که نه تنها با صریح اظهارات او، بلکه با مبانی صدر نیز ناسازگار است. چرا که با این تفسیر انسان تنها محل و موضوعی برای افعال خداوند خواهد بود و تأثیری در وقوع فعل نخواهد داشت. به دیگر معنا اگر انسان هیچ نوع فاعلیتی نداشته باشد، نمی‌توان او را مختار و یا حتی مجبور خواند، زیرا این فاعل حقیقی است که می‌توان آن را مختار دانست و جز او حقیقتاً فاعلی وجود ندارد که بخواهد مختار و یا مجبور باشد.

با این توضیحات، ما در این پژوهش برآنیم که با توجه به رویکرد ملاصدرا نسبت به مسئله اختیار و بحث وجود رابط و تبیین آراء او در این باب، به این پرسش پاسخ دهیم که آیا حقیقتاً انتساب فعل اختیاری به فاعلی که از هر حیث غیر مستقل و وابسته است (وجود رابط) مجاز است؟ شاید نمودار زیر بتواند مسائل مطروحه را به نحو بهتری دسته بندی نماید:



نمودار ۰-۱: طرح شماتیک مسائل مطروحه

۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت و ضرورت این پژوهش در اهمیت و ضرورت بحث اختیار و مسئله وجود رابط نهفته است. مبحث اختیار و مسائل پیش روی آن شاید قدمتی به طول تاریخ تفکر مکتوب بشر دارد به طوری که رد پای آن را می‌توان در آموزه‌های بیشتر ادیان و نیز مکاتب فلسفی یافت. چالشهایی که از تضارب اختیار با توحید افعالی، علم پیشین الهی، قضا و قدر، علیت و موجبت طرح می‌شوند نشان دهنده ابعاد پر دامنه این بحث می‌باشند. از سویی دیگر مسئله وجود رابط که گرچه موضوعیت آن تاریخ فلسفه اسلامی را در می‌نوردد، اما حیاتی‌ترین نقش خود را در وجود شناسی صدرایی ایفا می‌کند، وجود شناسی‌ای که تا کنون حکمت متعالیه را سرپا نگه داشته است. تلاقی این دو شاهره می‌تواند موجب تلاشی یکی از آن دو شود چرا که اگر انسان موجودی باشد که جز تعلق و ربط محض به واجب هیچ گونه استقلال، نفسیت و حقیقتی نداشته باشد، فعل او نیز از این جهات بی‌بهره خواهد بود.

۳. اهداف پژوهش

اهداف پژوهش حاضر از این قرارند:

- الف- بررسی سازگاری یا عدم سازگاری اختیار انسان با عین الربط بودن ممکنات
- ب- ضرورت لحاظ حیث استقلالی برای فاعل، جهت انتساب فعل اختیاری به او
- ج- تقریر مواضع ملاصدرا در بحث اختیار و تبیین جایگاه تقسیم وجود به رابط و مستقل در حکمت متعالیه

۴. سؤالات پژوهش

سؤالات پژوهش در دو بخش سؤال اصلی و سؤالات فرعی از این قبیلند:

۴-۱. سؤال اصلی

بر طبق مبانی فلسفه صدر، حیث استقلالی وجودات رابط در انتساب فعل اختیاری به آنها چیست؟

۴-۲. سؤالات فرعی

۱. لوازم و عناصر اختیار و فعل اختیاری در فلسفه صدر چیست؟
۲. وجود رابط به چه معناست و چرا وجود ممکنات از قبیل روابط است؟
۳. آیا انتساب فعل اختیاری به فاعلی که از هر حیث غیر مستقل و وابسته است (وجود رابط) مُجاز است؟

۵. فرضیه‌های پژوهش

ناظر به سؤالات پژوهش، فرضیه‌های پژوهش نیز در دو بخش فرضیه اصلی و فرضیه‌های فرعی بدین شرحند:

۱-۵. فرضیه اصلی

در حکمت متعالیه گرچه امکان فقری وجوداتِ خاصهٔ همهٔ موجودات به معنای ربط محض آنها به واجب تعالی می‌باشد، اما بر طبق وحدت تشکیکی وجود، تقابل فقر ممکنات و غنای واجب تقابل عدم و ملکه است که در آن کافی است طرف عدم شأنیت برخی از مراتب سافل ملکه را داشته باشد؛ به همین ترتیب وجود نیز از جمله اموری است که غیر واجب شأنیت داشتن رتبه عالیه آن را ندارد، ولی مراتب دیگر آن را می‌تواند واجد شود و به همین دلیل نسبت آن با اصل وجود، نسبت سلب و ایجاب نیست بلکه عدم و ملکه است. اگر مطلق وجود و همه مراتب آن برای یک شیء ممتنع باشد، آن شیء ممتنع الوجود است نه ممکن الوجود. با این وصف می‌توان نتیجه گرفت وحدت تشکیکی با کثرت تشکیکی وجود همراه است که در آن مراتب مختلف وجود بواسطه شدت و ضعف وجودی تخصص می‌یابند، لیکن به گونه‌ای که ما به الاشتراک عین ما به الامتیاز است. چراکه در تشکیک چهار رکن وجود دارد: ۱- وحدت حقیقی ۲- کثرت حقیقی ۳- سریان و ظهور حقیقی وحدت در کثرت ۴- بازگشت حقیقی کثرت به وحدت. به همین قیاس تقابل وجود رابط و مستقل نیز از نوع تقابل عدم و ملکه است چراکه وجود رابط، اگرچه فقر محض و عین الربط به وجود مستقل است اما از آنجاییکه (مطابق اشتراک معنوی وجود و تشکیک وجود) شأنیت مراتب ضعیف وجود را داراست حائز نوعی استقلال است، با این قید که ما به الارتباط رابط و مستقل عین ما به الاستقلال آنهاست. لذا حیث استقلالی رابطات عین حیث ارتباطی آنها در وجود خلاصه می‌شود و همین حیث استقلالی انتساب فعل اختیاری حقیقی به آنها را ممکن می‌سازد.

۲-۵. فرضیه‌های فرعی

۱- از لوازم و عناصر اختیار و فعل اختیاری در فلسفه صدرای می‌توان به قدرت، علم، شوق و اراده اشاره کرد و از آنجایی که اشیاء بوسیله وجود به کمالات خود می‌رسند، فاعل مختار نیز می‌بایست از حقیقت وجود بهره‌مند باشد.

۲- یکی از تقسیمات وجود، تقسیم وجود به رابط و مستقل است که در آن وجود رابط به معنای وجود فی‌غیره در برابر وجود مستقل و فی‌نفسه است، و از آنجاییکه ممکنات شئون وجود واجبی‌اند که به حسب هویت هیچ استقلالی ندارند و در ذات خود عین فقر و تعلق‌اند، بنابراین به حقایق خویش، روابط و تعلقات به غیر خود می‌باشند.

۳- فاعلی که عین الربط به خدا است و از هر حیث غیر مستقل و وابسته است، فعل و اثر او نیز عین الربط به خدا و از جمیع جهات غیر مستقل خواهد بود. پس با این فرض نمی‌توانیم فعل انسان را به حقیقت، فعل او بدانیم.

۶. پیشینه پژوهش

بحث وجود رابط در اندیشه حکمای مسلمان از جمله فارابی، ابن سینا، خواجه نصیر و میرداماد طرحی است که در حکمت متعالیه تنقیح کامل می‌یابد و شارحان و پیروان صدرا از جمله ملاهادی سبزواری، حکیم هیدجی، ملاعلی نوری، مدرس زنوزی، علامه طباطبایی و در میان معاصرین علامه حسن زاده آملی، استاد جوادی آملی و دکتر ابراهیمی دینانی نیز به این مسئله پرداخته و آن را مورد بررسی تفصیلی خود قرار داده‌اند. گفتنی است حول محور مسئله‌ی وجود رابط تحقیقات مستقلی در قالب کتاب و مقاله نیز انجام شده است که برخی از آنها بدین قرارند:

- ۱- رساله فی الوجود الربطی از مدرس زنوزی
- ۲- العمل الضابط فی الربطی و الربط به قلم علامه حسن زاده آملی
- ۳- کتاب وجود رابط و مستقل در فلسفه اسلامی نوشته دکتر ابراهیمی دینانی
- ۴- کتاب وجود رابط و مستقل در حکمت متعالیه نوشته دکتر شکر
- ۵- مقاله «وجود رابط و مستقل نزد فیلسوفان قبل از صدر المتألهین» نوشته عبدالعلی شکر
- ۶- مقاله «تفسیر عرفانی وجود رابط و پیامدهای آن» از علی امینی نژاد و رضا احسان نیا
- ۷- مقاله «وجود رابط از دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی» نوشته اکبریان و علی محمدی و... در موضوع اختیار و مسائل پیش روی آن نیز آراء حکمای مذکور در آثار ایشان قابل پیگیری است و از پژوهشهای متاخر نیز می‌توان به این آثار اشاره کرد: (البته باید متذکر شد در زمینه جبر و اختیار و شبهات مبتلا به آن مقالات و رسائل بسیاری در دسترس است که ذکر تمام آنها خارج از حوصله بحث حاضر است، از این رو به ذکر نمونه‌هایی از آنها اکتفا شده است)
- ۱- کتاب خیر الاثر در رد جبر و قدر نوشته علامه حسن زاده آملی
- ۲- کتاب علم پیشین الهی و اختیار انسان اثر محمد سعیدی مهر
- ۳- کتاب نگاه سوم به جبر و اختیار نوشته محمدحسن قدردان قراملکی
- ۴- مقاله ی «قضا و قدر و ارتباط آن با مسئله اختیار» نوشته قاسم امجدیان
- ۵- مقاله ی «تحریری نو بر مفهوم جبر و اختیار از نظر شیعه» نوشته پروین نبیان
- ۶- مقاله ی «فرآیند صدور افعال اختیاری انسان» از مهران رضائی و حسین هوشنگی
- ۷- مقاله ی «مسئله اختیار - آیا اراده آگاهانه توهم است؟» به تألیف بهرام علیزاده و ...

اما آنچه مسلم است در بررسی آثار مختلف در این دو حوزه، تبیین یا تقریری از پرسش اصلی این رساله که حاصل تلاقی اختیار انسان و عین الربط بودن آن است، بدست نیامد.

۷. جنبه نوآوری پژوهش

همانطور که ذکرش گذشت مبحث وجود رابط و مبحث اختیار هر یک بطور جداگانه، تا کنون موضوع پژوهشهای مختلفی بوده‌اند و این خود یکی از جنبه‌های نوآوری این پژوهش است که مبحث اختیار انسان و انتساب فعل اختیاری به او را در گرانگاه بحث وجود رابط به چالش می‌کشد و آن را به عنوان مسئله‌ای مجزا مورد بررسی قرار می‌دهد.

در نگاه نخست به نظر می‌رسد که اگر مطابق حکمت صدرا، استقلال انسان را در همه سطوح انکار کنیم نمی‌توانیم فعل انسان را حقیقتاً به او نسبت دهیم، و لذا انسان تنها مجرای تحقق فعل الهی خواهد بود و عملاً هیچ‌گونه تأثیری برای انسان متصور نخواهد بود و فعل حقیقی از آن خداوند خواهد بود. بدیهی است که این عقیده به جبرگرایی خواهد انجامید که نه تنها با صریح اظهارات صدرالمتألهین در دیگر مواضع بلکه با مبانی او نیز ناسازگار است. لزوم بازخوانی فلسفه صدرا در پاسخگویی به این مسئله می‌تواند از دیگر جنبه‌های نوآوری این پژوهش باشد.

از دیگر جنبه‌های نوآورانه این پژوهش می‌توان به جعل اصطلاح حیث استقلالی برای نشان دادن ضرورت وجود حداقل یک جنبه مستقل در فاعل جهت انتساب فعل اختیاری به او و نیز فرضیه اصلی این پژوهش - که در عبارت «حیث استقلالی رابطات عین حیث ارتباطی آنها به وجود باز می‌گردد» خلاصه می‌شود - اشاره کرد.

۸. روش انجام پژوهش

روش بکار گرفته شده در این پژوهش، روش توصیفی-تحلیلی-انتقادی است. به این معنا که نخست مواضع ملاصدرا، شارحین او و دیگر فلاسفه حول مسأله مورد بحث تبیین می‌شود و پس از تفسیر و تحلیل آراء و نظرات ایشان، با رویکردی انتقادی استحکام پاسخ‌هایشان را در قبال مسائل مطروحه خواهیم سنجید و در انتها نظریه مختار را ارائه خواهیم کرد.

فصل اول

کلیات

فصل اول: کلیات

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. وجود

مفهوم وجود از بدیهی ترین امور است، گرچه نیل به کنه حقیقت آن منزلگاهی بی عبور است. حاجی سبزواری نظر به همین معنا می گوید:

مفهومه من أعرف الأشياء و کنهه فی غایة الخفاء (سبزواری، ۱۳۸۴ش، ص ۴)

همین بداهت و اعرف بودن مفهوم وجود است که آن را از هرگونه تعریفی مستغنی می سازد چراکه از شرایط تعریف این است که معرف باید اجلی و اعرف از معرف باشد حال آنکه چیزی اعرف از مفهوم وجود یافت نمی شود.^۱

بنابراین هر تعریفی از وجود^۲ صرف تعریف لفظی است و نمی توان آن را تعریف حقیقی که تعریف به حد و رسم است، دانست. حاجی سبزواری در بیت زیر اشارتی بجا به این مطلب دارد که:

معرف الوجود شرح الاسم و لیس بالحدّ و لا بالرسم (همان)

بیان ابن سینا در شفا را نیز می توان مؤید این معنا دانست، آنجا که می گوید:

«مفاهیم موجود، شیء و ضروری، به ارتسام اولیه در نفس مرتسم می شوند و این ارتسام محتاج به اکتساب مفاهیمی اعرف از آنها نمی باشد. لذا همانطور که در باب تصدیقات، مبادی اولیه ای وجود دارد که تصدیق بالذات بدانها واقع می شود... همین طور در باب تصورات مبادی ای وجود دارند که بالذات متصورند و هرگونه نشانگری به ایشان تعریف حقیقی نخواهد بود، بلکه تنبیه و یادآوری بواسطه اسم یا علامتی خواهد بود که ای بسا خود اخفای از معرف باشد، لکن به دلایلی دلالت روشن تری دارد، بوجهی که استعمال آن علامت معنای مفهوم بالذات مذکور را یادآور خواهد شد ...» (ابن سینا، ۱۴۰۴ق-ب، صص ۲۹-۳۰)

پس از نظر ابن سینا تصوراتی هستند که متصور و معلومند بالذات و تصورات مجهوله از آنها کسب می شوند و ممکن است مفهوم بدیهی احتیاج به منبّه و اخطار به بال داشته باشد و مخاطب را متوجه

۱ برای ملاحظه بحثی مستوفی در ادله ی بداهت وجود بنگرید به: (جوادی آملی، ۱۳۸۶ش، ج ۱-۱، صص ۱۷۶-۱۸۶).
۲ متکلمین در تعریف وجود گفته اند: الثابت العین. و بعضی از حکما گفته اند: الذی یمکن أن یخبر عنه. و بعض دیگر: الذی یكون فاعلا و منفعلا. و بعض دیگر: الذی ینقسم الی الفاعل و المنفعل. و بعضی دیگر: الذی ینقسم الی الحادث و القديم (صدرا، ۱۳۶۳ش-الف، ص ۸۲). همچنین برای بحثی کاملتر پیرامون تعریف وجود می توان مراجعه نمود به: (ابن سینا، ۱۳۸۳ش-الف، صص ۸-۹ / فخرالدین رازی، ۱۴۱۱ق-الف، ج ۱، ص ۱۲ / شیرازی، ۱۳۶۹ش، صص ۴۷۹-۴۸۰ / شهرزوری، ۱۳۸۳ش، ج ۳، صص ۲۶-۲۷ / ملاصدرا، ۱۳۶۸ش، ج ۱، صص ۲۵-۲۷ / همو، ۱۳۸۲ش، صص ۱۱۳-۱۱۵).

سازند به آن مفهوم بدیهی به وسیله تصور امری که به حسب جلاء و ظهور و معرفیت، در مرتبه معرفت نباشد و لکن در نزد مخاطب به واسطه ممارست و انس ذهن احتیاج به منبه نداشته باشد، این معنی هم در تصورات است و هم در تصدیقات. خلاصه این که هم در تصورات و هم در تصدیقات، باید جمیع تصورات و تصدیقات نظری منتهی شود به تصور و تصدیق بدیهی و در بین مفاهیم در تصورات، بدیهی ترین مفاهیم مفهوم وجود است و در تصدیقات، تصدیق به اینکه نقیضان مجتمع نمی شوند (آشتیانی، ۱۳۷۶ش، صص ۳۲-۳۳ / سبحانی، ۱۳۸۲ش، صص ۲۸-۳۰).

از آنجاییکه رطب و یابس مباحث مربوط به وجود در فلسفه صدرای نضج می یابد ذکر تعبیر ملاصدرا در مشعر اول از کتاب گرانسنگ المشاعر، «فی بیان أنه غنی عن التعریف» می تواند راهگشا باشد:

«انیت وجود از حیث حضور و کشف آشکارترین چیزهاست و ماهیتش از لحاظ کنه و تصور پنهان-ترین اشیاء است؛ و مفهوم وجود از این جهت که روشن و واضح است بی نیازترین اشیاء از تعریف و شاملترین آنها می باشد» (صدرا، ۱۳۶۳ش-الف، ص ۶).

چنانکه در بیان صدرای تصریح شده است انیت وجود و تحقق آن از همه چیز اجلی و اظهر است، زیرا که بر همه کس مکشوف و ظاهر است که تمام اشیاء متحققند بوجود، پس وجود باید متحقق باشد بنفسه. و معلوم است که اشیاء قبل از وجود در حال عدم مخفی و مستورند، و بوجود ظاهر و هویدا شوند. پس وجود ظاهر بنفسه است، و اشیاء ظاهر بدو؛ و ظاهر بنفسه اجلی و اظهر است از ظاهر بغیر؛ پس وجود من حیث الانیة و التحقق اجلای اشیاء در ظهور و کشف است (همان، ص ۷۸)؛ و از آنجاییکه مفهوم وجود نفس تحقق و سیورورت در اعیان یا اذهان است لذا مفهومی بدیهی التصور است: «مفهوم الوجود نفس التحقق و الصیوروة فی الأعیان أو فی الأذهان و هذا المفهوم العام البدیهی التصور عنوان لحقیقة بسیطة نوریة و هو أبسط من کل متصور و أول کل تصور و هو متصور بذاته فلا یمکن تعریفه بما هو أجلی منه لفرط ظهوره و بساطته» (همو، ۱۳۵۴ش، ص ۱۰).

مطلب دیگری که در عبارت فوق جلب نظر می کند ظرافتی است که صدرالمتألهین در اطلاق معنای عام ماهیت- که همان «ما به الشیء هو هو» است- به وجود بکار گرفته است هر چند که معنای خاص ماهیت که «ما یقال فی جواب ما هو» است در مورد وجود مصداق نمی یابد، و البته روشن است که از

۱ انیة الوجود أجلی الاشیاء حضوراً و کشفاً و ماهیته أخفاها تصوراً و اکتناهاً؛ و مفهومه أغنی الاشیاء عن التعریف ظهوراً و وضوحاً، و أعمها شمولاً

آنجاییکه در ذهن آمدن حقیقت وجود امری ممتنع است، پس ماهیت وجود از حیث تصوّر و اکتناه اخفای اشیاست.

حاصل آنکه هر تلاشی در جهت تعریف وجود به جهت بداهت تصویری مفهوم وجود، صرفاً با هدف تنبّه و یادآوری و در قالب تعریف لفظی معنادار است. اما آنچه در این پژوهش مطمح نظر ماست آن معنایی از وجود است که در بافت فلسفه صدرالدین نسج می‌یابد و هر واقعیتی مصداقی از مفهوم آن است و حقیقت هر چیزی بواسطه ثبوت آن است.

۱-۲. وجود رابط

رهزنی کارکردهای مختلف وجود رابط تا بدانجاست که برخی از محققین برای گریز از دام مغالطه خلط میان این کارکردها و تبیین بهتر آن‌ها به این طریق سوق یافته‌اند که وجود رابط را مشترک لفظی قلمداد کنند. کارکردهایی که در ادبیات بحث با اصطلاح دقیق وجود رابط به چشم می‌خورند از این قرارند:

۱- معنای حرفی وجود که مفاد کان ناقصه یا ثبوت شیء لشیء در قضایای هلیه مرکبه است. این کارکرد از وجود رابط اختصاصی حکمت متعالیه نیست و صدرالمتالهین در این مورد وارث حکمای پیش از خود می‌باشد، چنانکه برای نمونه، فارابی در کتاب *التعلیقات*^۱ و *المنطقیات*^۲، ابن سینا در *الشفاء*^۳ و *التعلیقات*^۴، خواجه نصیر در *اساس الاقتباس*^۵ و نیز سهروردی^۶ و میرداماد^۷ در *مصنفات* خود ذیل مباحث مربوط به تحلیل قضایا از آن یاد کرده‌اند.

۲- وجود معلول نسبت به علت فاعلی تامّه خویش که عین ایجاد و ربط محض به اوست. برخلاف کارکرد پیشین وجود رابط، مبدع این کارکرد صدرالمتالهین است. وی از تحلیل نحوه وجود معلول و نسبت آن با علت فاعلیش به این مهم پی می‌برد که معلول جز حیثیت للعلّة هیچ حیثی ندارد و جهتی برای او متصور نیست جز همین ارتباط محض با جاعل تامّش (ملاصدرا، ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۸۰). به دیگر بیان معلول جز قیام و ربط به واقعیتی دیگر، که علت نام دارد، نیست؛ جز صدور از

۱. ر.ک: فارابی، ۱۴۱۳ق، ص ۳۹۹

۲. ر.ک: همو، ۱۴۰۸ق، ج ۲، صص ۳۶-۳۹

۳. ر.ک: ابن سینا، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۹

۴. ر.ک: همو، ۱۴۰۴ق-الف، ص ۱۴۵

۵. ر.ک: نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۱ش، صص ۶۵-۶۶

۶. سهروردی، ۱۳۷۵ش، ج ۲، ص ۲۵

۷. ر.ک: میرداماد، ۱۳۸۱ش، ج ۲، ص ۱۱۳

علت نیست؛ همان ایجاد و کار و فعالیت علت است، نه اینکه واقعیتی است که در اثر ایجاد و کار و فعالیت علت موجود است (عبودیت، ۱۳۹۴ش، ج ۱، ص ۲۱۸).

اما بحث به همین جا ختم نمی‌شود و برخی از محققین این کارکردها را تا ۴ مورد ذکر نموده‌اند و حتی وجود رابطی (وجود فی نفسه لغیره) را نیز ذیل معانی وجود رابط برشمرده‌اند.^۱ لیکن به نظر نگارنده، پس از آنکه صدر المتالهین به تبع استاد خود میرداماد^۲ میان وجود رابط و رابطی یا ناعتی تمییز می‌گذارد^۳، روا نیست که وجود رابطی را در زمره معانی مشترک اللفظ وجود رابط بدانیم و یا بالعکس وجود رابط را از اقسام وجود رابطی بدانیم.^۴ گذشته از این، مورد دیگری که جزو معانی وجود رابط به حساب آمده حاصل سوء برداشت از عبارات علامه طباطبایی در *نهایة الحکمه* است:

«چهارمین معنای وجود رابط عبارت است از نسبت هایی که میان مقولات هفت گانه نسبی «این، وضع، جده، فعل، انفعال و اضافه» وجود دارد» (شکر، ۱۳۸۹ش، صص ۲۰-۲۱).

آنچه در فصل شانزدهم از مرحله ششم کتاب شریف *نهایه منظور* نظر علامه است این است که هفت مقوله از مقولات ده‌گانه یعنی اضافه، این، متی، وضع، جده، فعل و انفعال که آنها را «اعراض نسبی» گویند، بدین معنا نسبی‌اند که این مقولات هیئت‌هایی هستند قائم به موضوعات خود که از نسبت‌های موجود در آن موضوعات پدید می‌آیند نه آن‌که این مقولات همان نسبت‌های وجودی باشند (طباطبایی، ۱۳۸۵ش، ص ۱۴۰).

بنابراین مقولات مذکور هیئت‌هایی هستند ماخوذ از نسبت‌های قائم به یک شیء، برای مثال مقوله «این» هیئت حاصل از نسبت شیء به مکان است و یا مقوله «متی» هیئت حاصل از نسبت شیء به زمان است. البته می‌دانیم که وجود نسبت، وجود «فی غیره» یا رابط است که هیچ نوع استقلالی نداشته و قائم به وجود «فی نفسه» موضوع خود می‌باشد و به تصریح علامه «نه بر چیزی حمل می‌شود و نه چیزی بر آن حمل می‌گردد؛ و لذا ماهیت ندارد؛ چراکه ماهیت عبارت است از آنچه در پاسخ سؤال از چیستی شیء بر آن حمل می‌گردد و از طرفی مقولات یک سری ماهیات جنسی هستند. بنابراین، نسبت نه مقوله است و نه مندرج در یک مقوله می‌باشد» (طباطبایی، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۴۸۷).

۱ نک: شکر، ۱۳۸۹ش، صص ۱۹-۲۱ / مصباح، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۲۴۶

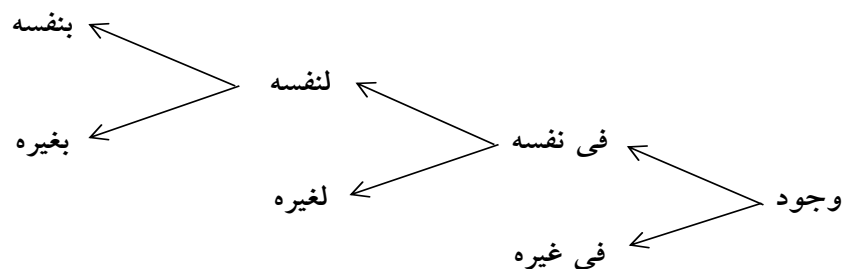
۲ برای ملاحظه بحث میرداماد در تمایز میان وجود رابطی و رابط بنگرید به: میرداماد، ۱۳۸۱، ج ۲، صص ۱۱۳-۱۱۶

۳ نک: صدرا، ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۸۲

۴ نک: جوادی آملی، ۱۳۸۶ش، ج ۱-۱، صص ۵۲۱-۵۲۴

لبّ مطلب علامه این است که مقولات نسبی خودشان نسبت نیستند، بلکه هیئت‌های حاصل از نسب قائم به اشیاء هستند و بنا بر آنچه گذشت، این نسبت‌های میان اشیاء هستند که وجود رابط اند نه نسبت‌های میان مقولات نسبی، که این قسم از وجود رابط در کارکرد اول فوق‌الذکر از وجود رابط که پیوند دهنده دو مفهوم مستقل است، قابل دسته‌بندی است و مفهوم جدیدی از آن ایفاد نمی‌شود.

به هر تقدیر آنچه مسلم است وجود رابط دارای کارکردهای مختلفی است و این بحث که وجود رابط مشترک لفظی است یا معنوی، غائله‌ایست که بعداً به آن پرداخته و اقوال قائلین به هریک از شقوق این منازعه را به تفصیل بیان خواهیم کرد؛ اما آنچه فعلاً و به اختصار در باب وجود رابط باید گفت این است که مفهوم مشترک قابل حمل به همه کاربردهای مختلف آن «لا فی نفسه بودن» یا همان «وجود فی غیره» است، که این معنا مأخوذ از تقسیم سه مرتبه‌ای و مشهور وجود است^۱ که در مرتبه‌ی اول وجود را به فی نفسه و فی غیره تقسیم می‌کند^۲، و در تقسیم ثانوی وجود فی نفسه به لئفسه و لغیره و در تقسیم ثالثی وجود لئفسه به بنفسه و بغیره منقسم می‌شود^۳.



نمودار ۱-۱: تقسیم سه مرتبه‌ای وجود.

۱ ردپایی از این تقسیم یا شاخه‌های فرعی آن را با اصطلاحاتی مشابه می‌توان در آثار حکماء مشاء و اشراق یافت. برای مثال مراجعه کنید به: (ابن سینا، ۱۳۷۳ش، ص ۴۵ / و سهروردی، ۱۳۷۵ش، ج ۲، ص ۱۱۷). شکل مترقی‌تر و امروزی تقسیم فوق بتدریج در آثار ملاصدرا و شارحان او از جمله سبزواری، طباطبایی، جوادی آملی، مطهری و مصباح قابل پیگیری است. برای نمونه بنگرید به: (ملاصدرا، ۱۳۶۸ش، ج ۱، صص ۸۰-۸۲ / سبزواری، ۱۳۶۹ش، ج ۲، صص ۲۳۷-۲۴۱ / طباطبایی، بی‌تا-الف، صص ۴۰-۴۱؛ / جوادی آملی، ۱۳۸۷ش، ج ۳، ص ۳۶۲ / مطهری، ۱۳۸۹ش، ج ۱۰، صص ۶۲-۶۹ / مصباح، ۱۳۸۷ش، ج ۱، صص ۲۲۹-۲۳۳).

۲ برخی از محققین تقسیم اول را صرفاً مربوط به عالم ذهن و مفهوم وجود می‌دانند و تسری آن به عالم عین و حقیقت وجود را مجاز نمی‌شمرند، و در عوض تقسیمات ثانوی و ثالثی را راجع به عالم عین و خارج می‌دانند (بنگرید به: مطهری، ۱۳۸۹ش، ج ۱۰، صص ۶۶-۶۷ / مصباح، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۲۳۰). ما در مبحث تقسیمات وجود مجدداً به این نکته باز خواهیم گشت.

۳ فقدان برخی از جهات در این تقسیم (از قبیل تقسیم وجود فی غیره به، لئفسه و لغیره) نکته دیگری است که در جای خود به آن خواهیم پرداخت.